

## مردان شکننده تر از زنان هستند!

مردها علیرغم سرو صداهای مردسالارانه خود که به صورت ژنتیک و بد آموزی به جنس خشن معروف شده اند، موجودهای شکننده تری نسبت به زنان هستند. و اگر چنین شود باید بیشتر مراقب آنان بود.  
دلایل چندی بر این ادعا مطرح می شود که بعضی از آنها به شرح زیر است:

۱/ تعداد مردها در کل همیشه کمتر از زنان بوده و هست.

۲/ نوزاد مذکر آسیب پذیرتر از نوزاد مونث است.

۳/ جنس نر دیرتر از جنس ماده بالغ می شود و زودتر از بلوغ خارج می شود.  
۴/ نطفه اگر مذکر باشد به هنگام لقاح شکنندگی بیشتری نسبت به نطفه مونث دارد.

۵/ مرگ و میرمردان در اثر بیماریهای استرس زا (مانند سگته های قلبی و مغزی) بیشتر از زنان است.

۶/ پاره ای از متخصصین علم ژنتیک بر این باورند که در ترکیب کروموزوم های جنسی غلبه ایکس ها بر ایگرگ ها به نسبت دو به یک است. ( یک ایکس از زن و یک ایکس یا ایگرگ از مرد)

۷/ اصطکاک مردها با مشاغل زمخت موجب استهلاک بالاتر آنها نسبت به زنان می شود.

براین اساس شاید بتوان چنین نتیجه گیری کرد که اولاً کمیت مردها کمتر از زنان است، ثانیاً کیفیت مردان رو به ضعف ژنتیک دارد و لذا ملاحظه می شود که نه تنها تعداد دختران مجرد بیشتر از پسران مجرد است بلکه ازدواج ها با درصد طلاق رو به تزایدی رو به رشد است.

اگر قبول کنیم که هرساختاری را رفتاری است متناسب با آن ساختار و اگر بپذیریم که ساختار زن متفاوت با ساختار مرد است بدون آن که در مقام مقایسه بر آیینم که کدام فراتر

و کدام فروتر است باید به این نتیجه برسیم که زن باید زن باشد و مرد باید مرد. یعنی زن باید زنانگی کند و مرد هم مردانگی.

زنانگی یعنی صفات زنانه، خصایل زنانه، حالات و رفتار زنانه. و همین گونه است مردانگی، که عبارت است از صفات، خصایل، حالات و رفتار مردانه. و اما رفتار زنانه یعنی آنچه که معشوقیت، معبودیت، مقبولیت و نهایتاً مطلوبیت را ایجاد می کند مانند: حال خوب، آرامش، عفت، شگفتی، غمزه حرکات موزون، صدای نرم و آغوش گرم که همه اینها مجموعه ناز را تشکیل می دهد.

در نقطه مقابل مرد باید مکمل ایزومر، تکیه گاه، با غیرت، طالب، آسایش آفرین، خواهنده و در یک کلمه مجموعه نیاز را در قیاس با ناز تشکیل دهد. وجود این دوطرف عرضه و تقاضا، کشش و کوششی را به ترتیب از طرف های زن و مرد به وجود می آورد که به آن عشق می گویند.

بدیهی است ازدواج به هر شکلی که صورت گیرد مطلوب نیست زیرا دوام و بقایی اگر در کار نباشد همان بهتر که آغازی نداشته نباشد ازدواج نکردن یک نقص و ازدواج بد کردن یک عیب است امید است موقعیت موجود یعنی باسوادتر شدن دختران از طرفی و بیکاری پسران از طرف دیگر به نوعی ساماندهی شود که به جای همتی های رقابتی، همسری های رفاقتی الگو شود.